

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: حب آخرت ۲

تاریخ: ۱۳ شهریور ۱۳۸۷؛ ۲ رمضان المبارک ۱۴۲۹

مکان: اصفهان، حوزه علمیه ملا عبدالله

موضوع سخن پیرامون حب آخرت است و بیان کردیم که اگر حب در وجود انسان راسخ شد و انسان به آن عادت کرد یکی از مکارم اخلاقی محسوب می شود.

مقدمه

آنچه برای تحصیل همه کرامت های اخلاقی لازم است شناسایی عوامل و موانع این صفات است و پس از شناخت عوامل، تلاش برای ایجاد آنها و دوری جستن از موانع آن می باشد.

در مورد حب آخرت نیز این چنین است و ما برای استفاده بیشتر از محضر قرآن کریم، آیات فراوانی را مورد دقت قرار دادیم تا بتوانیم این عوامل را از دیدگاه قرآن بررسی نماییم. در قرآن کریم لفظ «آخرت» در ۱۵۵ آیه ذکر شده است و لفظ «قیامت» نیز در ۷۰ آیه، و همچنین لفظ ساعت در ۴۸ آیه عنوان شده است.

در غرر الحکم نیز بیش از ۲۰۰ روایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که حقیقتاً بسیاری از آن مورد غفلت ما واقع شده است بعلاوه روایات فراوان دیگری که در این زمینه وجود دارد. قبل از ورود به بحث و بیان عوامل حب آخرت جمله ای را از دعای ابو حمزه مطرح می کنیم. امام سجاد (علیه السلام) در این دعای شریف می فرمایند: «حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَ أَحِبِّبْ لِقَائِي» یعنی خدایا لقای خودت را محبوب من گردان و تو هم لقای مرا دوست داشته باش. یعنی این مسئله باید دو طرفی باشد اگر فقط یک طرف دیگری را دوست بدارد و محبوب علاقه ای به مجب نداشته باشد خیلی تفاوت می کند با کسی که محبوب مشتاق لقای اوست.

ما مشتاق زیارت امام زمان (علیه السلام) باشیم یا آقا مشتاق زیارت ما، خیلی فرق می کند. در مورد خداوند هم همین را می گویم که خدایا ما را محب لقای خود گردان که معمولاً ما این چنین نیستیم و بعد هم می گوئیم خدایا تو هم لقای ما را دوست داشته باش که انصافاً خیلی عالی می شود و ما همواره باید حسرت تحقق این جملات را در مورد خودمان داشته باشیم.

همین مطلب در زیارت امین الله که حقیقتاً زیارت جامعی است آمده است. می فرمایند: «مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ» یعنی خدایا نفس مرا به گونه ای بگردان که مشتاق خوشحالی دیدار تو باشم؛ یعنی هم در لحظه دیدار تو خوشحال باشم و هم حالا مشتاق آن لحظه باشم و برای آن لحظه شماری کنم.

عوامل تحصیل حب آخرت

۱. حرکت به سوی نعمتهای بزرگ الهی

یکی از عوامل ایجاد حب آخرت حرکت به سوی نعمت های بزرگ الهی است، نعمت هایی که دیدنش اعظم از شنیدن آن است به طوری که تصور آن ها نیز برای ما میسر نیست. نعمت هایی که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به فکر کسی خطور کرده است.^۱

معمولاً وقتی گفته می شود آن نعمت ها را چشمی ندیده است انسان راحت می پذیرد و قانع می شود. اما منظور از جمله دوم چیست؟ که می فرماید: هیچ گوشی شنیده است در حالی که در بعضی از آیات قرآن به آن ها اشاره شده است و ما هم شنیده ایم و هم برای دیگران نقل کرده ایم.

پاسخ این سؤال همان نکته ایست که عرض شد که وقتی تعریف نعمت های دنیا را می شنویم، آن تعریف معمولاً بزرگتر از آن است که می بینیم و تازه می فهمیم آن چنان که می گفتند نبود. اما نعمت های آخرتی دقیقاً به عکس آن است یعنی وقتی می شنویم و نعمت های بهشتی را تصور می کنیم با ورود به بهشت اصلاً نحوه درک انسان عوض می شود و بصیرتش چیز دیگری می شود.^۲ و به قول قرآن کریم «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ»^۳: «دل ها و دیده ها در آن پریشان و دگرگون است». البته این فقط در مورد نعمت های بهشتی نیست بلکه کلاً روز قیامت چنین حالتی دارد.

حالت انسان در آخرت مانند فرزندی است که از رحم مادر وارد دنیا می شود؛ تا در رحم است تصور کوچکی از دنیا دارد؛ اما وقتی چشم به دنیا می گشاید فوق آن چیزی را می بیند که فکرش را می کرد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «شَوْفُوا أَنْفُسَكُمْ إِلَى نَعِيمِ الْجَنَّةِ»^۴ یعنی به نفوس خودتان شوق بپا دارید، دلتان را تشویق کنید و جانتان را به سمت نعمت های بهشتی متمایل کنید.

استشهاد قرآنی

خداوند در سوره اسراء آیه ۲۱ می فرماید: «وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضِيلاً»؛ «و البته آخرت از نظر درجات و برتری ها بزرگتر است».

یعنی آخرت درجات و تفضیل و برتری اش خیلی بزرگتر از آن چیزی است که در دنیا است.

در سوره نحل آیه ۴۱ می فرماید: «وَلِلْآخِرَةِ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ»؛ «و البته پاداش آخرت بزرگتر است».

و باز در سوره نساء آیه ۷۷ می فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى»؛ «سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است».

یکی دیگر از آیات قرآن کریم که پیامی استثنایی می دهد، آیه ۱۷ از سوره سجده است فرمود: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» در قسمت قبل از این آیه مؤمنینی که اهل نماز شب اند را توصیف می کند و به دنبال آن

۱. عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: أَعَدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ الْحَدِيثُ» بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج ۸ / ص ۹۲.

۲. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «... كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا سَمَاعُهُ أَعْظَمُ مِنْ عَيْنِهِ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عَيْنُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ الْحَدِيثُ» نهج البلاغه (للصباحي صالح) / ص ۱۷۰.

۳. نور، ۳۷.

۴. غرر الحکم و درر الکلم / ص ۴۱۴.

این چنین می‌فرماید: «پس هیچ‌کس نمی‌داند چه چیزهایی از مایه‌های روشنی‌بخش دیدگان، به پاداش کارهایی که می‌کرده‌اند برای آن‌ها پنهان داشته شده است».

کلمه «نَفْس» در این جا به صورت نکره آمده که در سیاق نفی مفید استغراق است؛ یعنی هیچ کسی نمی‌داند حتی اولیاء خدا هم نمی‌دانند که این چه پاداشی است که خداوند متعال از آن به «قُرَّةُ أَعْيُن» تعبیر می‌کند.

تصدیق بدون تصور!

آنچه در علم منطق گفته می‌شود که تصدیق همیشه بعد از تصور است استثنائاتی هم دارد. و آن جایی است که انسان به طرف مقابل اعتماد دارد. در اینجا چون ما به قرآن کریم اعتماد داریم، به خدای متعال اعتماد داریم بدون تصور، وعده‌ها و بشارت‌هایش را تصدیق می‌کنیم.

در دنیا نیز بسیاری از چیزها را انسان بدون تصور تصدیق می‌کند؛ مانند ذات پروردگار یا حقیقت روح و....

۲. آخرت، محل دریافت رضوان الهی

عامل دوم برای تحصیل حب آخرت این است که خشنودی پروردگار در آنجا به انسان می‌رسد و آن را درک می‌کند. اگر چه گاهی در دنیا هم نصیب انسان می‌شود اما در بسیاری از مواقع انسان خبر ندارد و نمی‌تواند مطلع شود که آیا خدا از او راضی هست یا خیر.

منتقل شدن رضایت الهی به انسان در دنیا غالباً مصلحت نیست چرا که ممکن است موجب توقّف انسان‌ها از حرکت در مسیر معنویت شود.

استشهاد قرآنی

قرآن کریم در آیه ۷۲ سوره توبه می‌فرماید: «وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ»؛ «و خشنودی از جانب خداوند (از همه نعمت‌های بهشتی) بزرگتر است».

در روایت آمده است وقتی اهل بهشت مشغول نعمت‌های بهشتی می‌شوند و نعمت‌ها را هم فوق تصور خودشان می‌یابند، گمان می‌کنند که بالاتر از این نعمت‌ها دیگر چیزی نیست. ناگهان از جانب خدای متعال خطاب می‌شود که: ای اهل بهشت آیا می‌خواهید نعمت بالاتر از این را بگویم؟ اهل بهشت پاسخ نمی‌دهند. علت پاسخ ندادنشان هم این است که باورشان نمی‌شود نعمتی بالاتر از این باشد. بار دوم هم همینطور خطاب می‌شود و آن‌ها جواب نمی‌دهند.

اما وقتی برای نوبت سوم خطاب می‌شود بعضی می‌گویند خوب است سؤال کنیم شاید نعمت بهتری هم باشد. خداوند می‌فرماید: آن نعمت بالاتر خشنودی من است از شما. وقتی اهل بهشت این جمله را می‌شنوند تصدیق می‌کنند.^۵

^۵ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَارَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ وَ دَخَلَ وَلِيَّ اللَّهِ إِلَى جَنَّتِهِ وَ مَسَاكِنِهِ وَ اتَّكَأَ كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْهُمْ عَلَى أَرِيكَةِ حَفْنَةِ خِدَامَتِهِ وَ تَهَدَّلَتْ عَلَيْهِ النَّمَارُ وَ تَفَجَّرَتْ حَوْلَهُ الْعُيُونُ وَ جَزَتْ مِنْ تَحْتِهِ الْأَنْهَارُ وَ بُسِطَتْ لَهُ الرِّزَابِيُّ وَ صُفِّتْ لَهُ التَّمَارِقُ وَ أَنْتَهُ الْخُدَامُ بِمَا شَاءَتْ شَهْوَتُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْأَلَهُمْ ذَلِكَ قَالَ وَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْحُورُ الْعِينُ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَمُكِّنُونَ بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ إِنَّ الْجَبَّارَ يُسْرِفُ عَلَيْهِمْ فَيَقُولُ لَهُمْ أَوْلِيَائِي وَ أَهْلُ طَاعَتِي وَ سُكَّانَ جَنَّتِي فِي جَوَارِي آلَا هَلْ أُبَيِّنُكُمْ بِخَيْرٍ مِّمَّا أَنْتُمْ فِيهِ فَيَقُولُونَ رَبَّنَا وَ أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ مِّمَّا نَحْنُ فِيهِ نَحْنُ فِيمَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُنَا وَ لَذتْ أَعْيُنُنَا مِنَ النَّعْمِ فِي جَوَارِ الْكَرِيمِ قَالَ فَيَعُودُ عَلَيْهِمْ بِالْقَوْلِ فَيَقُولُونَ رَبَّنَا نَعْمَ فَأَتَيْنَا بِخَيْرٍ مِّمَّا نَحْنُ فِيهِ فَيَقُولُ لَهُمْ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رِضَايَ عَنكُمْ وَ مَحَبَّتِي لَكُمْ خَيْرٌ وَ أَعْظَمُ مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ قَالَ فَيَقُولُونَ نَعْمَ يَا رَبَّنَا رِضَاكَ عَنَّا وَ مَحَبَّتِكَ لَنَا خَيْرٌ لَنَا

چرا خشنودی خدا بزرگترین نعمت است؟

برای پاسخ به این سؤال عواملی به ذهن می رسد.

یکی این که شاید سرچشمه تمام نعمت های بهشتی همان خشنودی خداوند از انسان باشد. مانند پدر و مادری که از فرزند خود خشنودند و برای همین او را غرق در نعمت می کنند و یقیناً ارزش علت (خشنودی خدا) بالاتر از معلول (نعمت های الهی) است.

نکته دوم این است که خشنودی خداوند لذت روح است در حالی که نعمت های بهشتی صرف جسم انسان می شود یعنی لذتی که انسان در بهشت از نعمت های بهشتی می برد محدود به همان زمان و لحظه ای است که از آن استفاده می کند و بعد از آن تمام می شود. اما روح انسان لذت دیگری می برد و آن اینکه می بیند خالق او که همه چیزش از اوست خشنود است.

مثال

فرض کنید امام زمان (علیه السلام) شما را به سفره غذایی دعوت کنند، طبیعتاً که سر از پا نمی شناسید و همینطور که از غذا استفاده می کنید لذت می برید. اما آیا از اینکه در محضر امام (علیه السلام) هستید بیشتر لذت می برید یا از استفاده کردن از غذا؟ معلوم است که این دو اصلاً با هم مقایسه نمی شوند. اما فرض کنید امام (علیه السلام) از شما رضایت ندارند آیا باز از خوردن آن غذاها لذت می برید؟

چرا؟ زیرا خشنودی مربوط به لذت روح انسان است و استفاده از آن غذاهای بسیار عالی لذت جسم انسان، و به عبارت دیگر لذت رضایت الهی دائم و لذت استفاده از نعمت های بهشتی موقت است.

۳. قیامت دار قرار

عامل سوم توجه به این است که قیامت دار قرار و ثبات است و دنیا محل عبور و مرور، و در واقع دنیا مانند پلی است که انسان در حال گذر از آن است تا به محل استقرار ثابت و دوام برسد.

برای مثال کسی که در حال مسافرت است، در مسیر راه خود به منظره های اطراف نگاه می کند و لذت می برد اما چون در حال گذر است دل نمی بندد و بیشتر سعی می کند در مقصد اسباب لذت و آسایش خود را فراهم کند. و وقتی بداند وسایل سکونت و آسایش در مقصد برایش مهیا است لذت فوق العاده ای می برد که این لذت او را از لذت های موقت در طول سفر منصرف می سازد و به طرف هدف سوق می دهد.

استشهاد قرآنی

قرآن کریم نیز می فرماید: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ»^۱؛ «ای قوم من، جز این نیست که این زندگی دنیا برخورداری (محدود و موقت) است و همانا (زندگی) آخرت است که خانه ثبات و پایداری است».

وَأَطِيبْ لِأَنْفُسِنَا ثُمَّ قَرَأَ عَلَيَّ بُنَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةُ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ مَلِيَّةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج ۸ / ص ۱۴۰.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الْأَخِرَةِ خُلُودٌ وَ بَقَاءٌ»^۷ یعنی تمام اشیائی که در آخرت هست دائماً و ابداً در آنجا می ماند.

لذا وقتی انسان‌ها وارد بهشت می شوند از جانب پروردگار به آن‌ها خطاب می شود: «مِنَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ إِلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَمُوتُ»^۸ یعنی خطاب از طرف خدایی است که هیچ گاه نمی میرد و همیشه زنده است بسوی انسانهایی که آن‌ها هم زنده اند و هیچ وقت نمی میرند و وقتی انسان این خطاب را می شنود لذت زیادی می برد و معنای خلود را می فهمد.

خلود در جهنم

البته خلود و بقاء دائمی در آخرت در مورد جهنم هم صادق است و اعمالی هم چون تفسیر به رأی باعث خلود در جهنم می شود.^۹

اما اینکه بعضی قائلند به اینکه خلود در جهنم خلود نسبی و در مقایسه با دنیا است و اصلاً خلود در آتش به صورت ابدی محقق نمی شود، نوعی تفسیر به رأی است؛ چرا که خلاف ظاهر آیات قرآن کریم است و همانطور که در آخر آیت الکرسی می فرماید «هُم فِيهَا خَالِدُونَ»^{۱۰} یعنی اینها در جهنم دائماً به سر می برند.

به هر حال یکی از کمالات بزرگ انسان‌های کامل حب آخرت است و اگر بخواهیم هم‌رنگ و هم‌سنگ با امام زمان (علیه السلام) شویم باید این حالت را در خود ایجاد کنیم.

۴. ورود به آخرت عامل یقین به آن

از عوامل دیگر برای تحصیل حب آخرت این است که بدانیم ورود به آخرت باعث یقین به آخرت می شود. توضیح اینکه در روایت آمده است یقین باعث فرح و خوشحالی انسان می شود و شک و غم و غصه به همراه می آورد. ۱۱ در دنیا نیز چنین است؛ کسی که شک و تردید گریبانگیر اوست، همیشه نگران است. برای مثال کسی که شک دارد خدا هست یا نه، فکر بیماری دارد و باید خودش را معالجه کند و الا این بیماری فکری به تمام اعمال او نیز سرایت می کند و تمام کارهای خوب را با شک و تردید انجام می دهد. برای همین اعمال او ارزش کمی دارد و از عبادت هم لذتی نمی برد. انسان‌هایی که اهل شک‌اند در مناجات و دعا هم نمی توانند درست استفاده کنند و به راحتی وصل به خدا و اهل بیت (علیهم السلام) نمی شوند.

اما تحصیل یقین انسان را به سلامت فکر فرا می خواند و زندگی او را تغییر می دهد و این یقین، به تمام اعمال و رفتار و کردارش تأثیر می گذارد و حتی در معاشرت با همسر و خانواده اش نیز تغییر حاصل می شود.

^۷ غررالحکم و دررالکلم/ص ۵۴۲.

^۸ مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية/ص ۵۳.

^۹ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَبْتَوِ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»؛ «کسی که قرآن را به رأی و نظر خود تفسیر کند، جایگاهش آتش جهنم است» تفسیر الصافی/ج ۱/ص ۳۵.

^{۱۰} بقره، ۲۵۷.

^{۱۱} عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «... إِنَّ اللَّهَ يَعْدِلُهُ وَ قِسْطُهُ جَعَلَ الرُّوحَ وَ الرِّاحَةَ فِي الْيَقِينِ وَ الرِّضَا، وَ جَعَلَ الْهَمَّ وَ الْحَزْنَ فِي الشَّكِّ وَ السَّخَطُ» اصول کافی (ط

- الإسلامية)/ج ۲/ص ۵۷.

کسی که یقین دارد اگر چه در خدمت امام زمانش نیست اما حضور امامش را همواره باور دارد.

یقین و اولیاء خدا

وجود یقین در پیشوایان دین همچون امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه کرده بود که فرمودند: خدایی را که ندیدم عبادت نکردم^{۱۲} و چه لذتی از این عبادت می بردند.

شخصی از مرحوم آیت الله انصاری همدانی رحمه الله علیه سؤال کرد که آیا امام زمان (علیه السلام) را دیده اید؟ ایشان در پاسخ نگفتند دیدم یا ندیدم بلکه فرمودند: «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا» یعنی اگر پرده ها کنار رود و امام را با چشم ظاهر ببینم به یقین من افزوده نمی شود!

همچنین کسی که می گفت غیبت امام (علیه السلام) با ظهورشان برایم یکسان است چه لذتی از این حالت یقین می برد. براستی لذتی که آن ها از عبادت می بردند با لذت بردن ما از عبادت بسیار متفاوت است و برای همین است که تعجب می کنیم که چطور امام (علیه السلام) در یک شب هزار رکعت نماز خواندند^{۱۳} و خسته نشدند.

انسان اهل یقین نه تنها در عبادت خدا لذت می برد بلکه ترک گناه نیز او را ناراحت نمی کند و از گناه متنفر می شود. پس یکی از ارمغان های ورود به آخرت یقین است و انسان از هنگام مردن به یقین می رسد.

انسانی که طالب حب آخرت است باید متوجه باشد که آخرت برایش یقین آور است و یقین لذت و شیرینی فوق العاده ای برایش به همراه دارد.

برای همین است که قرآن کریم گاهی به جای کلمه مرگ از یقین استفاده می کند^{۱۴} چرا که با مرگ پرده ها کنار رفته و همه چیز واضح می شود و شک و تردید از بین رفته، یقین جای او را می گیرد.

امام سجاد (علیه السلام) نیز می فرماید: «الدُّنْيَا سِنَةٌ» یعنی دنیا چُرت است، «وَالْآخِرَةُ يَقْظَةٌ» و آخرت بیداری است، «وَوَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَصْعَاثُ أَحْلَامٍ»^{۱۵} و ما هم بین این چُرت و آن بیداری در خواب شیرین فرورفته ایم. چون انسان ابتدا چُرت می زند و سپس می خوابد و خوابش سنگین می شود و بعد هم بیدار می شود. در روایت دیگری امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»^{۱۶} یعنی مردم در خواب آلودگی به سر می برند و وقتی می میرند تازه بیدار می شوند.

۵. لذت های ناب و بی غصه

^{۱۲} عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: «بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَخْطُبُ عَلَى مِثْرِ الْكُوفَةِ إِذْ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ - ذُعْلَبٌ ذُو لِسَانٍ يَلِغُ فِي الْخُطْبِ شُجَاعُ الْقَلْبِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! هَلْ رَأَيْتَ رَبِّكَ؟ قَالَ: وَتِلْكَ يَا ذُعْلَبُ مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبًّا لَمْ أَرَ الْحَدِيثَ: «در آن میان که امیر المؤمنین (علیه السلام) در کوفه بر منبر سخنرانی می فرمود مردی که نامش ذعلب بود برخاست و او مردی شیوا سخن و قوی القلب بود، پس گفت: ای امیر مؤمنان! آیا پروردگارت را دیده ای؟ امام فرمود: وای بر تو ای ذعلب من پروردگاری که ندیده ام عبادت نکنم» اصول کافی (ط - الإسلامية) / ج ۱ / ص ۱۳۸.

^{۱۳} قَالَ ابوعبدالله (علیه السلام): «... إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي آخِرِ عُمُرِهِ كَانَ يُصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رُكْعَةٍ الْحَدِيثُ» اصول کافی (ط - الإسلامية) / ج ۴ / ص ۱۵۴.

^{۱۴} قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»: «و پروردگارت را پرستش کن تا آن امر یقینی (مرگ که برای هر زنده ای حتمی است) بر تو فرا رسد» حجر، ۹۹.

^{۱۵} . مجموعه ورام / ج ۲ / ص ۲۴.

^{۱۶} . بحار الأنوار (ط - بيروت) / ج ۴ / ص ۴۳.

عامل پنجمی که حب آخرت را در دل انسان قرار می‌دهد توجه به این است که لذت‌های آخرتی با هیچ مصیبت و غم و غصه‌ای مخلوط نیست. در حالی که لذات دنیایی غالباً با اندوه و نگرانی مخلوط است و انسان نمی‌تواند از دنیا لذت آسوده و بدون مشکل و سختی ببرد و لذا هر لذتی برای خود دردسری دارد.

در روایت نیز می‌فرماید: «الدُّنْيَا حُفَّتْ بِالْمَكَارِهِ» یعنی تمام دنیا به مکاره و سختی‌ها پیچیده شده است. کسی از بی‌پولی غصه می‌خورد و دیگری از پولداری و ثروتمندی. اما در لذت‌های آخرتی هیچگونه درد و غصه و ناراحتی نیست.

قرآن کریم می‌فرماید: «عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ»^{۱۷} تخت‌های بهشتی با رنگ سبز روبروی یکدیگر به ترتیب چیده شده‌اند و بهشتیان روبروی هم می‌نشینند و از نعمت‌های بهشتی لذت می‌برند بدون اینکه کوچکترین زحمتی برای به دست آوردن آن نعمت‌ها بکشند.

مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی روی منبر فرمودند: کسی از کسی پرسید خوش گذشت؟ و او هم در جواب می‌گوید خوش گذشت. این چه خوشی است که می‌گذرد؟! خوشی آن است که نگذرد. عوامل دیگری هم برای ایجاد حب آخرت وجود دارد که انشاءالله در جلسات آینده مورد بحث قرار می‌گیرد.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»